

دولت امسال سر جای درستش نشست!

نشست خبری هفتمین همایش «۵۵ روز با عکاسان» با حضور سیفا... صمدیان، رئیس هیات انجمن عکاسان ایران و مجید ناگهی، دبیر این دوره از رویداد روز گذشته (۱۰ آذر) برگزار شد. صمدیان در این نشست با اشاره به عملکرد دولت بیان کرد: شاخص‌ترین چیزی که امسال می‌توانم بگویم، تغییری است که پس از ۴۰ سال انتظار اتفاق افتاد، آن هم این است که دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سر جای درست خودش قرار گرفتند و قرار شد تنها همان چیزی که باید را انجام دهند. این یعنی از دولت در حوزه امور اجرایی سلب مسئولیت شود، چون به هیچ‌وجه این موضوع جزو وظایف وزارت ارشاد نیست که مجری رویدادهای هنری باشد.

او معتقد است، حمایت و نظارت چیز دیگری است و اجرا موردی بوده که سال‌هاست انجمن‌های تخصصی هنری به‌دنبال آن بودند. آنها می‌خواستند به این هدف برسند که اگر دولت می‌خواهد نظارتی داشته باشد در همان حد بماند و اجرا را به دست کسانی بدهند که باید، یعنی اهل هنر و کسانی که محرم آن هستند.

رئیس هیات‌مدیره انجمن هنرمندان عکاس با گلایه از کسانی که باید به رویداد کمک می‌کردند، گفت: آنهایی که باید به‌خاطر بودجه‌های بالایشان به ما کمک می‌کردند، کارشنکی کرده و تنهاپیمان گذاشتند. این در حالی است که کل بودجه همه انجمن‌ها برای دوسالانه به اندازه یک فیلم سینمایی امروز ایران که سه تا پنج میلیارد خرج دارد، نیست.



صمدیان در ادامه صحبت‌های خود بیان کرد: سال گذشته از سازمان فرهنگی - هنری شهرداری لطمه مالی پدی خوردیم. ما از رئیس سازمان رضایت و تایید اولیه را گرفتیم؛ متأسفانه تا امروز نامهای که رد و بدل شد انجام نشد و رئیس جدید هم گفت چون قرارداد امضا نشده ما نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم. یعنی رقم ۲۰ صد میلیون به دست ما نرسید و از نظر اقتصادی در شرایط نامناسبی کار را پیش بردیم.

حمایت از عکاسان غیررسمی هم از مواردی بود که صمدیان درباره‌اش بیان کرد؛ به نظر من عکاسی امروز ابرقدرت‌ترین هنر تصویری جهان است. مایا این که حدود ۱۷۰ عضو رسمی داریم، اما در کنار آنها میلیون‌ها نفر عضو غیررسمی ما هستند و باید از تمام فریم به فریم آنها حمایت کنیم. عکس‌هایی که خیلی از آنها با تلفن‌های همراه ثبت می‌شوند و آن قدر جالب توجه‌اند که حتی با دوربین حرفه‌ای هم نمی‌توان به آن رسید. در واقع عکاسی هنری شده که در دل جامعه است و ما مجبوریم جدای از شیطنت‌های اینترنتی به مسائل هنری و کیفی عکس‌های موبایلی هم توجه کنیم.

مجید ناگهی، دبیر هفتمین دوره «۱۰ روز با عکاسان» هم در بخش دیگری از این نشست گفت: عکاسی، فرهنگ و جامعه شعار کلی این دوره از همایش «۱۰ روز با عکاسان» است و ما امسال در بخش نگاهی به خود، رویکردمان را با عنوان «چهره ایران» انتخاب کرده‌ایم. در این مسیر ما تحت عنوان این پروتکل از انجمن‌ها خواستیم نشست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کنند.

او ادامه داد: علاوه بر نمایشگاه‌های هر یک از انجمن‌های عکاسی، ما در بخش ویژه چند برنامه داریم؛ «به سوی نگاه شخصی» یکی از این بخش‌هاست که در آن با سخنرانی‌هایی به تبیین فضا و شرایط داشتن نگاه شخصی می‌پردازیم. همچنین جلسات گالری‌ها هم توسط انجمن‌ها طراحی شده و علاوه بر اینها بخش دانشگاهی را که مغفول مانده بود هم امسال با پرداخت به مقاله‌ها و آثار دانشجویی در زمینه عکس و عکاسی داریم. اما امسال یک گالری مجزا به آن اختصاص داده شده و هدفمان این بود با چنین کارهایی حلقه وصلی بین دانشگاه و این همایش ایجاد کنیم. در ادامه برنامه «در جست‌وجوی راهی نو» هم شامل سخنرانی‌های تا ۱۵ دقیقه‌ای از افرادی است که تجربه عکاسی دارند و می‌توانند نکاتی را در این زمینه بگویند. این افراد لزوماً عکاس نیستند؛ چون ما می‌خواستیم در برگزاری این همایش به این وسیله از شکل سنتی که همیشه وجود دارد، خارج شویم.

هفتمین دوره «۱۰ روز با عکاسان» توسط انجمن عکاسان ایران و با مشارکت انجمن‌های تخصصی عکاسی از ۱۴ تا ۲۳ آذر در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.



معرفی هیات انتخاب سومین جایزه هنر معاصر «ویستا»

در فاصله ۲۰ روز مانده به پایان مهلت شرکت در سومین جایزه هنر معاصر «ویستا»، اعضای هیات برگزاری و انتخاب آثار این رویداد معرفی شدند. براساس اعلام دبیرخانه، نازگل انصاریان، پریسا پهلوان، حمید سسوری، رزیتا شرف جهان، بهرنژ صمد زادگان و بهنام کامرانی در این دوره ایده‌های رسیده را بررسی و داوری خواهند کرد.

آثار برگزیده جشنواره پیامبر مهربانی در اندیشه

نمایشگاه آثار برگزیده دومین جشنواره هنرهای تجسمی پیامبر مهربانی از ۱۰ آذر در فرهنگسرای اندیشه برپا شد. جلال عطارزاده، دبیر دومین جشنواره پیامبر مهربانی می‌گوید: آثار این نمایشگاه از میان ۵۵۶ اثر در ده بخش انتخاب شده که نتیجه حضور ۱۹۵ هنرمند در دومین جشنواره پیامبر مهربانی است. در این نمایشگاه ۱۶ اثر منتخب هیات داوران از گروه‌های تصویرسازی، خوشنویسی، نگارگری، عکاسی و ... به‌نمایش درمی‌آید.

رئیس اتحادیه کتابفروشان تهران از حال و اوضاع این روزهای صنفش گفت

کتابفروشی‌ها نمی‌توانند فقط کتابفروشی باشند!

از لفظ‌های که پائیان را در هر خیابانی می‌گذارید، چشم‌تان به انواع مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی می‌افتد که قدم به قدم جا خوش کرده‌اند و دیدن‌شان دیگر برای خیلی از ما عادی شده است. در این میان جایگاه اول به شکم و متعلقات آن از رستوران‌ها و فست فودی‌ها گرفته تا فروش مواد غذایی اختصاص دارد و بعد هم لباس فروشی‌ها و دیگر اجناس در این رده بندی قرار می‌گیرند؛ تا جایی که هر کسی در هر محله‌ای دست کم آدرس دقیق چند تا از آنها را دارد. اما الان اگر از شما بپرسند که در اطراف‌تان کتابفروشی کجاست، چه پاسخی می‌دهید؟ آیا اصلاً جایی را برای آدرس دادن سراغ دارید؟



فاطمه شهیدوست

فرهنگ و هنر

محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به بهانه حال و احوال این روزهای کتابفروشی‌ها گفت‌وگویی با جام جم داشت.

او معتقد است که تراکم کتابفروشی‌ها تنها به بحث صدور مجوز آن ارتباطی ندارد و همیشه اغلب شغل‌ها در یک جا جمع می‌شوند مثل خیابان لاله زار که بخشی از آن لوستر فروشی است. آموزگار می‌گوید: «اولین کتابفروشی‌ها هم در تهران ابتدا در بازار بین الحرمین شکل گرفتند و بعد وارد مسجد شاه آن زمان شدند. در ادامه بخشی از آن در ناصرخسرو و باغ همایون گسترش پیدا کرد، بعد هم چهارراه مخبرالدوله، خیابان انقلاب و در آخر هم کریمخان میرزبان این حوزه شدند. این اتفاق هم به ساختاری باعث تشویق برای تأسیس بنا شده و همیشه مهین بوده است.»

البته که بازهم این موضوع وحی منزل نیست و هنوز هم می‌شود در خیلی از مناطق دیگر کتابفروشی باز کرد، همان‌طور که کم و بیش این اتفاق رخ داده اما انگار اتحادیه دراین باره فکر خاصی نکرده تا مثلاً با ارائه تسهیلات و مدیریت اصولی باعث تشویق برای تأسیس کتابفروشی در سایر محله‌ها شود. آموزگار در این باره هم گفت: «ما کتابفروشی‌های محله‌ای

سختی‌هایی را به همراه دارد که به قول یکی از کتابفروش‌های راسته انقلاب هرکسی را مجبور می‌کند تا برای شروع این کار کفش آهنین به پا کند تا بعد از سال‌ها تازه به یک رونق نسبی برسد!

در این بین آموزگار در پاسخ به کم و کیف اجرای معافیت مالیاتی کتابفروشی‌ها هم می‌گوید:

«در حوزه معافیت مالیاتی قوانین زیادی مثل

مالیات؛ قوز بالا قوز!

با این حال در تهران شاید چنین اتفاقی وجود داشته باشد، اما در برخی از شهرستان‌ها همچنان کمبود آن به چشم می‌خورد، این در حالی است که پرداخت مالیات برای خیلی از کتابفروش‌ها قوز بالا قوز شده است و برخی را از ادامه راه منصرف می‌کند. چون می‌دانید که روی فرهنگ خرید کتاب در سطح گسترده چندان نمی‌شود حساب کرد و از سوی دیگر سود پایین این حوزه هم مطرح است، حالا در کنار همه این‌ها هز ینه‌ها یی مثل مالیات، اجاره و...



اتحادیه‌ای که خودش کمک می‌خواهد



در بحث مالیات هم ما با پرکردن اظهارنامه مالیاتی اغلب معاف می‌شدیم اما بودند کتابفروشی‌هایی که شنیدم از آنها مالیات گرفته می‌شود و به من هم مدتی پیش از این اداره تماس گرفتند اما هنوز درخواست مالیات نکردند. در این بین وجود اتحادیه مشترک با لوازم التحریر هم از موارد دیگری است که طبق آن می‌بینیم اغلب اعضا برای صنف نوشت‌افزار هستند، به همین دلیل کمک و حمایت چندانی از ما صورت نمی‌گیرد. جالب است بدانید که بعضی می‌گویند اتحادیه یک تشکل خصوصی است و شما علاوه بر هزینه‌ای که بابت عضویت می‌پردازید باید کمکی هم به اتحادیه بکنید! هزینه آب و برق و ... هم برای ما چون سایر مصارف رد شده است، حتی گاهی از تجاری هم بیشتر است و طبق خیلی از مشاغل حساب می‌شود. امسال ما برای دو ماه به جای مثلاً ۲۰ تومانی که همیشه پول برق می‌دادیم حدود ۷۰۰ تومان پرداخت کردیم و همه اینها فشار زیادی را وارد کرد. اینها در شرایطی اتفاق می‌افتند که سود خیلی کمی هم داریم چون در حوزه کتاب‌های عمومی معمولاً دامنه تخفیف تا ۳۰ درصد است و تنها در حوزه کمک‌درسی‌ها حدود ۶۰ درصد است. در اینجااست که همان اقلام با قیمتی که مقداری به روزتر است به کمک ما می‌آید.

به نظر می‌آید وضعیت کتاب به یک فکر اساسی نیاز دارد. البته همه رخدادهای یک مملکت به هم ربط دارد و اگر اوضاع اقتصادی بهبود پیدا کند، وضع کتاب هم درست می‌شود. با این حال اگر به خریدار کتاب امکانی مثل یارانه تعلق بگیرد، شاید کمک بزرگ و مؤثری به کتابفروش‌ها شود، چون تنها ارائه تسهیلات به مواردی مثل کاغذ یا ناشران برای پایین آوردن قیمت کتاب باعث می‌شود تا زمانی که این اتفاق می‌افتد، عده‌ای در این بین سود خود را ببرند و گاهی فساد اتفاق بیفتد. به هرحال این ایده‌ای است که اگر اجرایی شود، می‌توان کمی امیدوارتر شد.

دشواری‌های کتابفروشی در شهرستان



علیرضا رحمانی، مدیر پاتوق کتاب شیراز

فروش کتاب به تنهایی کفاف اداره یک کتابفروشی را نمی‌دهد و خود ما هم در کنار کتاب‌ها اقلام مختلفی از دفتر و لوازم التحریر گرفته تا پیکسل ... گذاشتیم، با تمام اینها و سختی‌هایی که وجود دارد، سعی کرده‌ایم موارد متفرقه کمتری را بیاوریم و تنها قسمت محدودی از فروشگاه را به آنها اختصاص داده‌ایم. فروش کتاب نه فقط در کتابفروشی‌ها بلکه حتی در حد سطح تیراژها هم بسیار کم شده است و از سوی دیگر با وجود فشار اقتصادی همان کتاب‌ها هم با قیمت بالاتری عرضه می‌شود، همه اینها دست به دست هم می‌دهند تا فروش کتاب روزبه روز کمتر شود. اگر این روند ادامه پیدا کند اوضاع از این هم بدتر می‌شود و خیلی از کتابفروشی‌ها کارشان به تعطیلی می‌کشد. یکی دیگر از مشکلاتی که ما در شهرستان‌ها داریم، این است که فروش اغلب از تهران کمتر است و در کنار آن اجاره یک محل تجاری خیلی بالاست. به همین دلیل ما به ناچار سراغ فضاهای مسکونی می‌رویم تا اجاره پایین‌تری داشته باشد ولی همان هم فشار زیادی به ما وارد می‌کند و می‌توانم بگویم در این مسیر خیلی خیلی متری پیش می‌رویم و سود می‌کنیم. در اینجا موضوع دیگری که وجود دارد این است که ما کتاب کمک درسی نمی‌فروشیم وگرنه عواید بیشتری کسب می‌کردیم، چرا که بیشترین گردش مالی برای کتابفروشی‌هایی است که کمک‌درسی می‌فروشند و فضای تجاری دارند. کتابفروشی‌های عمومی ولی مخاطبان خاص دارند و جزو نیازهای درجه چندم یک خانواده محسوب می‌شوند.